بازكاوى حقوق امام مهدى (عج(

 سردبير

سينه پر درد و فغان است چه پنهان از تو سبزه را بوي خزان است چه پنهان از تو اي دريغا! شاهبازان به چه قانع شده‏اند! دل نرگس نگران است چه پنهان از تو و أعنّا علي تأدية حقوقه إليه‏

فابذل نفسي و مالي و ولدي و أهلي و جميع ماخوّلني ربّي بين يديك

1. در ايام اللّه ميلاد خاتم الأوصياء، حجت خدا، نور آل محمدصلي الله عليه وآله(1)، مهدي فاطمه(عج) هستيم. مي‏توان اين روز را به عادت گذراند و به غفلت سپري كرد و از يم به نمي و از دريا به قطره‏اي قانع شد و مي‏توان به بازكاوي حقوق امام مهدي(عج) و محاسبه‏ي عهد و پيمان‏هايي كه با آن حضرت داريم، پرداخت و با نقبي به نور و محاسبه‏ها و بازكاوي‏ها، به وسعت‏ها و هدايت‏هاي بيش‏تري رسيد.

2. مهدويّت، قلب تپنده‏ي حيات شيعه در تمامي قرون و اعصار است.

مهدويّت، رمز و راز نجات انسان معاصر از بن بست‏ها و گرداب‏ها است.

مهدويّت، نه يك راه، كه تنها راه است.

مهدويّت، انرژي متراكمي است كه اگر به درستي از آن بهره گرفته شود، توانايي شگرفي در وحدت همگان و بسط معنويّت و احياي دين دارد.

مهدويّت و اعتقاد به يك منجي و مصلح، باور مشترك همه‏ي اديان و نداي قلبي همه‏ي مستضعفان در سرتاسر اين كره‏ي خاكي است.

مهدويّت، باوري عميق است كه ريشه در ساخت و بافت انسان دارد.

مهدويّت، اميد مستضعفان و نويدِ پايانِ سبزِ زمان است.

مهدويّت، چشم‏اندازي است زيبا به جهان آينده و آينده‏ي جهان.

مهدويّت، سرفصل رويش و تولّد نهايي انسان است.

مهدويّت، حقيقت سترگي است كه جهان با وجود او، بر مدار عشق مي‏چرخد، و خورشيد، به يُمن درخشش نورش، زمين و آسمان را نور باران مي‏سازد.

مهدويّت، عامل رعب و هراس همه‏ي مستكبرين و دشمنان انسانيت است. مهدويّت، برگي زرين در دفتر تاريخ انسان است.

مهدويّت، نگاه سبز شيعه و ادامه‏ي كربلا و نگاه سرخ حسين‏عليه السلام است.

مهدويّت، آخرين پناه و خاكريز انسان معاصر در برابر همه‏ي سياهي‏ها و پلشتي‏ها است.

مهدويّت، رمز پيروزي و استمرار انقلاب اسلامي ايران است.

مهدويّت، اميد و حيات و زيبايي و عشق و شور و نشاط، و در يك كلمه، همه چيز ما است.

يابن الحسن! روحي فداك! متي ترانا و نراك؟(2)

3. امروزه، دشمنان، سرمايه گذاري فراواني در راه مبارزه با اين انديشه‏ي حيات بخش - كه اساس تشيّع است - كرده‏اند. اين هجوم‏هاي خشن كه پس از پيروزي انقلاب اسلامي و بويژه در دهه‏ي اخير، به ساحت مهدويّت شده است نشان از اهميت و حياتي بودن اين موضوع براي دشمن دارد.

دشمن، نيك مي‏داند كه حيات شيعه، در گرو دو نگاه سرخ و سبز است: نگاه حسيني و نگاه مهدوي. با يكي،قيام مي‏كند و با ديگري، آن را حفظ مي‏كند. اين همه هجوم از ايجاد شبهه گرفته تا انواع فيلم‏ها و بازي‏هاي رايانه‏اي، نشانه‏ي هراس آنان از اين حقيقت سترگ است.

امروزه، دشمن، حيات خود را در زوال و يا تحريف اين انديشه مي‏داند. انديشه‏اي كه مانند روح، در كالبد معتقدانش رسوخ مي‏كند و آنان را در برابر همه‏ي مستكبران به پا مي‏دارد.

4. به شهادت روايات متعدد، ايرانيان نقش بزرگي در زمينه سازي ظهور آن حضرت دارند.(3) اين روايات، چنان كه بشارت است، هشداري به وظيفه‏ي سنگين ايران اسلامي هم هست.

ناگفته نماند كه اين روايات، دشمنان را هم در مورد ما حسّاس كرده و آنان را به سرمايه گذاري بيش‏تري براي به انحراف كشيدن نسل جوانِ اين مرز و بوم و دوري آنان از انديشه‏ي مهدويّت، كه در حقيقت، اساس انقلاب ما هم هست، وا مي‏دارد.

5. مسأله‏ي مهدويّت، همواره از مظلوم‏ترين‏ها بوده است، چه قبل و چه بعد از انقلاب. قبل از انقلاب، اسير حجتيه‏اي‏ها بود و پس از انقلاب، هر كه مي‏خواست در اين وادي داخل شود، ترس از اتّهام انتساب به اين انجمن، براي بازداشتن و انزواي او كافي بود، امّا در چند سال اخير، با كوشش برخي مراكز و به ميدان آمدن تني چند از افراد شناخته شده و همراه و هماهنگ با انقلاب و رهبري، اين سدّ شكسته شد و اين مبحث، از انحصار منحرفان و كج سليقگان، خارج گشت.

در هر حال، آن چه كه قابل كتمان نيست، اين است كه پس از انقلاب، آن گونه كه شايسته‏ي اين مباحث و موضوعات بود، به آن پرداخته نشد و در نتيجه، بيش از دو دهه، ركود بر اين مباحث سايه انداخت. جبران اين ركود و توقف، آن هم در عصر سرعت، خود تلاش مضاعف را از همه‏ي نهادها و مسئولان مي‏طلبد.

6. هر كسي را سالي است، از كشاورز و تاجر گرفته تا عارفان و سالكان. يكي، سالش را هنگام برداشت محصول قرار مي‏دهد و ديگري، هنگام تحصيل سود. بر شيعيان مهدي باور و سالكان مهدي زيست، فرض است كه در نيمه‏ي شعبان، در كنار اَعمال فراوان شب و روز آن، به محاسبه‏ي تكاليف و عهدهاي خود با امام‏شان بپردازند و بر حقوق آن حضرت و آن چه نسبت به آن بزرگوار كرده‏اند و نكرده‏اند، مروري داشته باشند. بر كرده‏ها، سپاسگزار و شاكر باشند و بر نكرده‏ها، استغفار و تصميم بر جبران.

7. ما، هر يك، عهدهايي داريم با خداي‏مان، پيامبرمان و امام‏مان.

با خداي‏مان عهد كرديم كه شرك نورزيم‏

((ألم أعهدْ إليكم يا بني آدم أنْ لاتعبدوا الشيطان))(4)

((و اطاعت او و اوليايش را گردن گذاريم.))(5)

با پيامبرمان عهد بستيم، پاسدار وحي و حامي وصيّ او باشيم.

با امام‏مان ميثاق بستيم كه او را بشناسيم و در برابرش تسليم باشيم(6) و جان و مال و خويشان و همه‏ي آن چه كه خداوند به ما ارزاني داشته، فدايش كنيم و به پايش بريزيم:

((و هو عهدي إليك و ميثاقي لديك... فأبذل نفسي و مالي و ولدي و أهلي و جميع ما خوّلني ربّي بين يديك و التصرّف بين أمرك و نهيك))(7)

با او عهد كرديم كه مدافع حريمش باشيم و در برطرف كردن حوايج و خواسته‏هاي او - كه در حقيقت، خواسته‏هاي ما و به نفع خود ما است - كوشا باشيم:

((اللهم! اجعلني من أنصاره و أعوانه والذّابّين عنه والمسارعين إليه في قضاء حوائجه والممتثلين لأوامره والمحامين عنه والسابقين الي إرادته والمستشهدين بين يديه)).(8)

و زمينه ساز حكومتش باشيم:

((يوطّئون للمهديّ سلطانه))(9)

و به دوستانش محبت بورزيم و با دشمنانش بستيزيم:

((سلم لمَنْ سالمكم و حربٌ لمَنْ حاربكم)).

اين حقوق، چه فردي و چه اجتماعي، حقوق سنگيني است تا آن جا كه براي اداي آن‏ها، بايد از ذات احديت استعانت جُست:

((و اعنّا علي تأدية حقوقه إليه)).(10)

از حقوق فردي، در فرصتي ديگر بايد گفت و گو كرد. (در كتاب مكيال المكارم تا حدود هشتاد وظيفه، شمارش شده است). مناسب است در اين فرصت، به بررسي وظايف جامعه‏ي ايران اسلامي به عنوان زمينه سازان قيام و انقلاب آن حضرت و نهادهاي حكومتي و غيرحكومتي آن بپردازيم، از صدا و سيما گرفته تا آموزش و پرورش، دانشگاه، حوزه، وزارت ارشاد، سازمان تبليغات، مراكز توليد سينمايي، پژوهش‏گاه‏ها و مراكز و مديراني كه نيروي انساني كلاني تحت پوشش دارند.

بهتر، اين است كه در اين ايام، هر يك از اين نهادهاي تأثير گذار حكومت ديني، به بازكاوي كارنامه‏ي يك ساله‏ي خود بپردازند و نتيجه را به عنوان يك وظيفه‏ي خطير به اطلاع مردم برسانند.

در ادامه، مروري خلاصه به وظايف برخي از اين نهادها، به عنوان نمونه، خواهيم داشت و بررسي همه آنها را به فرصتي ديگر وامي‏گذاريم.

حوزه‏

بدون ترديد، سهم اساسي در احيا و گسترش فرهنگ مهدويّت، از آن حوزه است. حوزه، نهادي ريشه دار و اصيل است كه در دوره‏ي رسول اكرم‏صلي الله عليه وآله با آيه‏ي ((نَفْر)) شكل گرفت و در تمامي قرون و اعصار، پاسدار اسلام از دستبردها و حوادث بود.

كوتاهي و عدم حضور فعّال حوزه و حوزويّان در اين امر خطير، زمينه ساز بروز خرافات و سطحي نگري از يك طرف و در دست گرفتن اين مقوله‏ي سترگ از سوي افرادي ناشايست شده است.

ظهور و بروز امثال حجتيه‏اي‏ها و ملاقاتي‏ها (مروّجين افراطي ملاقات با امام زمان(عج)) ريشه در غيبت حوزه در اين عرصه دارد. جا دارد حوزه به عنوان متولّي اين امر، قدم‏هاي جدي‏تري در اين راه بردارد و با ايجاد يك مركز تخصصي و يا مشاركت و نظارت بر مراكزي كه با اين نام فعاليت مي‏كنند، به آموزش‏ها و پژوهش‏هاي اساسي در اين عرصه - كه جداً جاي آنها خالي است - و سپس ارائه و تبليغ آن در سطح داخلي و خارجي بپردازد.

در آموزش‏هاي حوزوي، درس‏هايي مانند: مباني اعتقادي مهدويّت، تاريخ عصر غيبت، حديث‏شناسي و منبع‏شناسي مهدويّت، دعاشناسي، شناخت فرقه‏ها و گروه‏هاي انحرافي، بايد از جايگاه شايسته‏اي برخوردار باشد. از ياد نبريم كه غفلت ما زمينه ساز ظهور و بروز ديگران است.

شمع فروزنده چو پنهان شود، شب پره بازيگر ميدان شود.

آموزش و پرورش و دانشگاه‏

مقوله‏ي مهدويّت، در هيچ يك از اين دو نهاد آموزشي، جايگاه شايسته‏اي ندارد. در درس‏هاي عمومي دانشگاهي كه بيش از چند صفحه‏ي محدود، ديگر هيچ نشاني نيست و در آموزش و پرورش هم آن قدر كم رنگ و ضعيف است كه در يك بررسي و پژوهش در متون درسي، عَرَق شرم بر جبين‏مان نشست و از آن امام و ولي نعمت‏تان، بسي خجالت كشيديم.

صدا و سيما

اين رسانه، به خاطر گستردگي و نفوذي كه دارد، مي‏تواند بيش‏ترين نقش را در تبيين و ترويج اعتقاد صحيح به مهدويّت و امام عصر(عج) داشته باشد. از اين رو، شايسته است كمي بيشتر به آن بپردازيم.

كارنامه‏ي صدا و سيما، گرچه نسبت به سال‏هاي گذشته، كمي بهتر است، امّا نسبت به آن چه كه از او انتظار مي‏رفت و مي‏رود هنوز فاصله‏ي بسيار زيادي دارد.

مشكل اين رسانه، اين‏جا است كه فرهنگ مهدويّت را به برگزاري يك يا دو برنامه‏ي دعا و سخنراني در صبح‏هاي جمعه خلاصه كرده است. مشكل‏تر آن كه اقبال عمومي به چنين برنامه‏هاي ضعيفي را به حساب جذابيت برنامه‏ي خود مي‏گذارد، غافل از آن كه سبب اين اقبال را بايد در عطش مردم و خالي بودن اين عرصه در جامعه و در سيما، طي بيش از بيست سال دانست. به نظر مي‏رسد، سيما، در اين راه بايد سرمايه گذاري جدي كند و خيلي بيش از اين‏ها هزينه.

جاي بسي شگفتي است كه در غرب، دَه‏ها فيلم در رابطه با مهدويّت و قيام موعود آخرالزمان، با هدف ارائه‏ي چهره‏ي مناسب از اين قيام، ساخته مي‏شود و پيشگويي‏هاي تحريف شده نوستر آداموس در هاليوود ساخته مي‏شود و به مدت سه ماه، از تمام شبكه‏هاي تلويزيون آمريكا پخش مي‏گردد(11) فيلمي كه در آن، از امام زمان(عج) به عنوان پادشاه بزرگ وحشت King of Terror ياد مي‏شود.

گفتني است كه در مورد مجموعه‏ي پيشگويي‏هاي نوسترا داموس با مراجعه‏ي ابتدايي به اينترنت، چنين به دست آمد كه حدود پانصد اثر، اعم از فيلم و نمايشنامه و آهنگ و داستان، در اين زمينه ارائه شده است كه قريب سي تاي از آنها را فيلم‏هاي سينمايي و ويديويي تشكيل مي‏دهد، امّا در سينما و سيماي ما دريغ از يك فيلم! به راستي، چگونه است كه آنان، در راه باطل خود، اين گونه مصرّند و ما، در راه حق خود، اين اندازه كاهل؟ چگونه است كه آنان با دستمايه قرار دادن و تحريف يك پيشگويي، اين اندازه آثار خلق مي‏كنند و ما با حدود ده هزار روايت درباره‏ي مهدويّت و آخرالزمان، هيچ دستاوردي نداريم، آن هم در برابر يك نسل تشنه و عاشق، نسلي كه با اجتماع شكوهمند ميليوني خود در نيمه‏ي شعبان هر سال در مسجد مقدّس جمكران و بيابان‏هاي اطراف و حضور چند صدهزار نفري خود در شب‏هاي چهارشنبه‏ي هر هفته عشق و اخلاص و عطش خود به امام مهدي(عج) را به نمايش مي‏گذارد؟

به راستي چه مي‏كنيم و به كجا مي‏رويم؟ يابن الحسن! إليك اُشكو.

پيشنهاد مي‏شود ستادي دائمي و فعال، متشكل از مديران شبكه‏ها و برخي شخصيت‏هاي فرهنگي و كارشناسان مهدويّت، زير نظر مستقيم رياست اين سازمان و با حضور فعّال ايشان و يا نماينده‏ي تام الاختيارشان تشكيل شود و براي اين امر مهم، در بالاترين رده‏ي اين سازمان، برنامه ريزي كنند و بيش‏ترين هزينه و بهترين برنامه‏ها و ساعات خود را در طول هفته و ماه و سال، در ايام و ساعات متعلق به حضرت، به اين امر مهم، امام همام و ولي نعمت‏مان، اختصاص دهند.

در اين باره، در بدو امر پيشنهادهاي زير قابل بررسي است:

- توليد فيلم‏هاي سينمايي و داستاني و نمايشنامه از زندگاني و عصر نواب اربعه و برخي از وكلاي ايشان گرفته تا ترسيمي روشن از عصر ظهور با همه‏ي ويژگي‏هاي تربيتي، اخلاقي، اجتماعي، سياسي و اقتصادي آن، تا داستان‏هايي تأثيرگذار و آگاهي بخش از مضامين مناسب با مهدويّت، مانند انتظار يا توجهات و عنايات امام‏عليه السلام به برخي درماندگان و متوسلان به ايشان.

- فرا خوان سينماي جوان به توليد فيلم‏هايي در موضوع مهدويّت.

- برنامه‏هاي تركيبي با طرحي نو و جذاب با استفاده از كارشناسان مجرّب.

- ويژه برنامه‏هايي در دهه‏ي مهدويّت (از سوم شعبان روز ميلاد امام حسين‏عليه السلام تا نيمه‏ي شعبان روز تولّد امام مهدي(عج) و ايام ماه مبارك رمضان.

- ساخت و سفارش آهنگ، سرود و تواشيح ويژه‏ي حضرت با مضاميني مناسب.

- انجام دادن مصاحبه‏هايي با متفكّران و دانشمندان مسلمان و غير مسلمان در خارج از كشور كه درباره‏ي انديشه‏ي مهدويّت در شيعه و اسلام، حرفي شنيدني دارند.

- تهيه‏ي گزارش‏هايي از كشورهاي مسلمان و مسيحي و نوع نگاه آنان به مصلح و موعود جهاني.

- پخش برنامه‏هاي برون مرزي در مورد مصلح جهاني و ارتباط با صاحب نظران اين مسئله در خارج از كشور و زمينه سازي يك همايش بين المللي مصلح جهاني به عنوان يك اعتقاد مشترك بين الادياني.

- نقد و بررسي فيلم‏ها و سخناني كه در شبكه‏هاي جهاني عليه تفكّر مهدويّت و امام مهدي(عج) بخش مي‏شود.

- معرفي كتاب‏ها، مجلات، سايت‏هاي اينترنتي، نويسندگان، شاعران، نقاشان، طراحان، مداحان، مراكز پژوهشي؛... در مقوله‏ي مهدويّت.

- پخش سخنان، خاطرات و يا بخش هايي از وصيت نامه‏هاي شهدا كه در مورد امام عصرعليه السلام است.

- ميان برنامه‏هايي مشابه برنامه‏ي بر بال انديشه در مورد امام زمان‏عليه السلام (سخنراني بزرگان و فرازهايي از دعا و يا كلمات حضرت و...)

- آشنايي مردم با اعمال و دعاهاي شب و روز نيمه‏ي شعبان و پخش مراسم احياي اين شب در جمكران و يا برخي مساجد و دانشگاه‏هاي بزرگ.

- تهيه‏ي گزارش‏هايي از فعاليت‏ها و شور و نشاط جوانان در محله‏ها براي ايجاد مكاني مناسب براي تجمع و شادي مردم در اين ايام.

- طراحي و حمايت از برگزاري جشنواره‏هاي كتاب، مطبوعات، فيلم، نقاشي و آثار گرافيك و... در مقوله‏ي مهدويت.

- پخش اطلاعيه‏ها و سخنان مقام‏معظم‏رهبري مراجع‏عظام‏به‏مناسبت‏ايام‏نيمه‏ي‏شعبان.

- پشتيباني از فيلم‏هايي كه در داخل و يا خارج از كشور در اين موضوع ساخته مي‏شود.

- ميزگردهايي ويژه‏ي مباحث مهدويت با استفاده از كارشناسان مجرّب و متعهد داخلي و خارجي.

- تهيه‏ي فيلم‏هاي گزارشي از اماكن زيارتي ويژه‏ي امام مهدي(عج) به خصوص مسجد مقدّس جمكران.

- طراحي برنامه‏هاي نو و جذاب با هدف گسترش فرهنگ مهدويت در ميان نسل جوان.

- بستر سازي براي يك اجتماع و يا راهپيمايي شكوه‏مند و رژه‏ي نيروهاي بسيج در روز نيمه‏ي شعبان با نام ((مهدي‏ياوران)).

اينها و جز اينها پيشنهادهايي بود كه در بدو امر به ذهن مي‏رسيد. بدون ترديد با تشكيل ستاد مهدويّت در صدا و سيما و با رايزني‏ها و فراخوان طرح‏ها و برنامه‏ها در اين موضوع ضروري، شاهد تحوّلي اساسي در اين امر مهمّ خواهيم بود إن شاء الله.

اميد است كه در برابر اين حرف‏ها و پيشنهادها، توجهي همراه تعصّب و اقدام، دست ما را بگيرد و تعصبي بي‏توجه، ما را زنداني غرور و جمود نسازد. آمين!

--------------

پي‏نوشت‏ها:

1) سيد علي خان كبير مدني شيرازي، در رياض السالكين، حديثي از امام صادق‏عليه السلام نقل مي‏كند كه حضرت ولي عصر(عج) نور آل محمدصلي الله عليه وآله است. ر.ك: منتخب الأثر، ص 494، پي نوشت.

2) اي امام زمان! جان‏ام فدايت! كي مي‏رسد آن هنگام كه شما، ما را، و ما، شما را ببينيم؟

3) ر.ك: عصر الظهور، علي الكوراني، ص 217 - 275.

4) يس: 60.

5) در تفسير آيه‏ي 87 سوره مريم ((لايملكون الشفاعة إلاّ مَن اِتَّخَذَ عندالرحمن عهداً...))، از قول امام صادق‏عليه السلام چنين آمده است: ((مَنْ دان بولاية اميرالمؤمنين والائمة من بعده فهوالعهد عندالله)) (نورالثقلين، ج 3، ص 362). در اين روايت، ((عهد نزد خداوند))، همانا، پذيرش ولايت اميرالمؤمنين و ائمه‏ي معصوم‏عليهم السلام بعد از ايشان اعلام شده است. به همين مناسبت، امام علي‏عليه السلام درباره‏ي روز غدير مي‏فرمود: ((إنَّ هذا يوم عظيم الشأن... يوم كمال الدين، يوم العهد المعهود))؛ ((عهد ولايت))، همان عهد معهودي است كه در روز غدير كه روز كمال دين بود، بر آدم نهاده شد و بر آن مسؤول بود. (بحار الأنوار، ج 37، ص 164).

6) امام باقرعليه السلام مي‏فرمايد: ((إنّما كُلّف الناس ثلاثة: معرفة الائمّة والتسليم لهم فيما ورد عليهم والرد اليهم فيما اختلفوا فيه)) مردم، به سه تكليف مكلف‏اند: معرفت امام؛ تسليم در برابر او؛ واگذاري امور به او در اموري كه اختلاف پيش مي‏آيد.(وسائل الشيعة، ج 27، ص 67).

7) مفاتيح الجنان، زيارت حضرت صاحب الأمر؛ مصباح كفعمي، ص 495.

8) مفاتيح الجنان، دعاي عهد.

9) بحارالأنوار، ج 51، ص 87؛ منتخب الأثر، ص 375، ب 40.

10) دعاي ندبه.

11) مضمون فيلم؛ بدين صورت است كه مردي از سلاله‏ي پيامبر اسلام‏صلي الله عليه وآله‏[ امام مهدي(عج)] در پايان تاريخ، ظهور مي‏كند و مي‏خواهد با ايجاد وحشت و در هم شكستن تمامي قدرت‏ها، حكومت جديدي به وجود مي‏آورد، لكن به دست آمريكا و ديگر قدرت‏ها، شكست مي‏خورد.